

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبیدی و احمدزید آبادی • سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی
• معاون سردبیر: مهرداد خیرید، دیران گروهها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دبلیو، بین الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست)
• الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهیها: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۴۹۱ • آگهیها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هممیهن • توزیع: نشر گستر امروزین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

منتقد حرمت دارد
آقای نامحترم



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

بار دیگر شاهد توهین یک تهیه کننده به منتقد سینما و یک روزنامه نگار بودیم. شاید گزاره نیا شد که بگوییم این فرد، جنجالی ترین و پر حاشیه ترین تهیه کننده سینمای ایران است. تقریباً با ارکان هر فیلمش -که همواره نیز از جنس سینمای تجاری و گیشه است- در نشستها و گفتگوهای مطبوعاتی یا برگزاری مراسم نمایش فیلم اش، سخنانی می گوید که به کانون جنگ و جدال های سینمایی-رسانه ای بدل شود. هر بار که او در برنامه «هفت» یا برنامه های سینما محور دیگر مثل «شهر فرنگ» شبکه خبر حضور یافته، گفت و گوهاش با مجری یا میهمان برنامه به جدال لفظی بدل شده یا به واکنش های جنجالی در رسانه ها و مطبوعات انجامیده است. بخشی از جنجال ها به فیلمی برمی گردد که ساخته و مواردی که در آن مطرح کرده است و بخشی هم به دعوای شخصی او با سینماگران دیگر بازمی گردد که به طور معمول حاشیه های فراوانی می سازد. او چه در مقام کارگردان و چه در کسوت تهیه کننده، همیشه حاشیه ساز بوده و جدال های کلامی پیرامون خودش و آثارش شکل می گیرد. سال ها پیش در برنامه «هفت» ترکش اش به تن منتقدان سینما هم خورد (که همواره سر ستیز با آنها داشته). آنجا که گفته بود «مردم اصلاً نمی دانند منتقد خوردنی است یا پوشیدنی...» که با واکنش های تند و ازسوی منتقدان سینما همراه شد. دعوی او با امیرحسین علم الهدی بر سر سینمای هنر و تجربه هنوز در حافظه سینما دستان باقی مانده که او این سینما و مدیرانش را «شارلاتان های سینمایی» توصیف کرده بود. در هر حال، این تهیه کننده یا همواره انگشت اتهامش به سوی کسی بوده یا انگشت های اتهام دیگران را به سمت خود گردانده است و حالا در شبکه های اجتماعی با الفاظ رکیک و فحاشی به یکی از روزنامه نگاران و منتقدان قدیمی سینما توهین کرده است.

واقعاً گاهی لازم است منتقدان سینما نوک قلم خویش را نه به نفع خویش که در دفاع و صیانت از صفت و حرمت قلم و شأن نقد و نقادی تیز کنند. آن هم زمانی که دشمنان نقد و سینمای فرهنگی و اندیشه روزی از دل خود سینما بیرون می آیند. به قول حافظ، من از بیگانگان هرگز نمانم که با من هر چه کرد آن آشنا کرد! او که تهیه کنندگی بخش عمده ای از فیلم های سطحی و ضد فرهنگی را در کارنامه خود دارد همواره با اتخاذ این سیاست که بهترین دفاع، حمله است با لحنی تحقیر آمیز با منتقدان خود برخورد می کند. واقعیت این است که سینمای پویا و مترقی محصول نقد و نقادی است اما همیشه قدرت ها نقد را بر نمی تانند و چه کسی شک دارد که شما در سرزمین سینما قدرت تمدنی هستید؟! قدرتی که البته با گیشه سینما نسبت دارد، نه اندیشه آن! شاید اگر منتقدان بی تعارف و بی پرده تر با فیلم های سطحی و سیخ بر خورد می کردند و نقد آنها را دون از شأن حرفه ای خود نمی دانستند، سینمای ایران و ارکان به این مصیبت دچار نمی شد. اتفاقاً منتقدان سینما کمتر به رسالت اجتماعی خود در مقابله با فیلمسازی عمل کرده اند و اگر قرار باشد مورد سرزنش قرار بگیرند از بابت کم کاری و سهل انگاری در این باره است. جالب است که لحن و منطق این فرد نیز به شدت شبیه فیلم های است که تهیه کرده است؛ بازاری و متظاهرانه! او سخنان خود را با آیه ای از قرآن شروع می کند و مدام خود را پشت دفاع از نظام و انقلاب پنهان می کند تا قیمت نان خویش را به نرخ روز تعیین کند! او کلمات را هم به بازی می گیرد و با سفسطه بازی مفهومی از واژه ابتدال ارائه می دهد تا بتواند از فیلم های خود حمایت کند. او با تهی کردن واژه از مفهوم معصود گویندگانش، توجیه فرهنگی -سیاسی برای آثارش و نقدهایی که بر آن می رود دست نپوشا می کند. بر خلاف شما تهیه کنندگان و کارگردان های سینما شناس این کشور با بهره گیری از نظر و نقد منتقدان، توانسته اند آثار ماندگاری در سینما خلق کنند. نه فقط سینما که همه هنرها و نه همه هنرها که همه آدمها به نقد و انتقاد نیاز دارند. نگارنده به عنوان یکی از اعضای شورای مرکزی انجمن منتقدان سینمایی و در دفاع از صیانت منفی منتقدان و همکار می گویم: هم نقد محترم است، هم منتقد حرمت دارد آقای نامحترم. بی حرمتی به نقد، رواج همان ابتدال در سینماست که شما مروجش هستید.



برخورد قهری با ورزشکاران پناهنده نداریم

محمود خسروی و فاطمه رئیس کمیته ملی المپیک در آستانه المپیک پاریس از سیاست ها و برنامه های کاروان اعزامی ایران گفت



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم میهن

از ابتدای هفته آینده سی و سومین دوره مسابقات المپیک در شهر پاریس رسماً آغاز می شود و ورزشکاران در رشته های مختلف برای کسب عنوان قهرمانی به مصاف هم خواهند رفت. کاروان ایران با ۴۰ ورزشکار در این دوره از بازی ها حضور دارد. ایران از لحاظ تعداد ورزشکار در المپیک پاریس در بین کشورهای آسیایی نهم است و در جهان همراه با اکوادور در رده پنجاه و هفتم قرار دارد. ایران و اکوادور هر دو با ۴۰ ورزشکار در المپیک ۲۰۲۴ حضور دارند. روز گذشته و پیش از آغاز مسابقات المپیک در ساختمان معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد نشست با حضور خبرنگاران برگزار شد که طی آن محمود خسروی و فاطمه رئیس کمیته ملی المپیک و غریب نژاد، مدیرکل امور فرهنگی وزارت امور خارجه به تشریح برخی مسائل مربوط به حوزه خبرنگاران و ورزشکاران در ایام این مسابقات پرداختند و خبرنگاران نیز نقطه نظرات خود و بعضاً انتقاداتی را که داشتند در این جلسه مطرح کردند.

تقابل سخت در اولین روزهای المپیک

در المپیک ۲۰۲۰ توکیو کمیها علیزاده که به تازگی پناهنده خود را اعلام کرده بود مقابل ناهید کیانی در وزن ۵۷ کیلوگرم تکواندو قرار گرفت. در این مصاف پر حاشیه، کمیها علیزاده موفق شد از سد ناهید کیانی عبور و به دور بعد صعود کند. شکست کیانی اما باعث شد تا او خیلی زود از گردونه رقابتها کنار برود و یکی از شانس های مدال کاروان ایران را کم کند. با این حال حالا باز هم تاریخ در حال تکرار است، البته نه با شکست کیانی بلکه تکرار تقابل کمیها علیزاده و ناهید کیانی باز هم در مسابقات المپیک و این بار در پاریس. کیانی که در ایران ذخیره کمیها علیزاده بود طبعاً با نقاط ضعف و قوت علیزاده آشنایی کامل دارد و البته که این آشنایی از رقیب کاملاً دوطرفه است. کیانی بعد از شکست مقابل دوست صمیمی خود یعنی کمیها علیزاده با انتشار پستی در اینستاگرام چنین نوشت و به انتقاد از افرادی پرداخت که به دلیل این شکست به او بی احترامی کردند و او را تحت فشار گذاشتند: «مردم سرزمین من از جنس خود شما هستم، از جنس مردم عادی، از جنس درهای حقیقی، بیخشید اگر نتوانستم تمام خود باشم، نتوانستم در میان درد بی آبی، درد خشکسالی شادی کوچکی به شما هدیه بدهم، بیخشید اگر رویا رویی من با هم وطنم دل شما را آزد، بازنده حقیقی بازی من و کمیها، المپیک» بود، آری المپیک رویدادی که تمام بزرگی اش به فریاد صلحش است، المپیک ۲۰۲۱ با تمام خوب و بدش تمام می شود و من می نامم و المپیک که بزرگی اش در ذهنم آفول کرده است. المپیک کروناتر از بدون صلح، گفتنی است ناهید کیانی قهرمان جهان، دومین نماینده کشورمان در المپیک پاریس خواهد بود که روز دوشنبه ۱۸ مرداد ماه در وزن ۵۷- کیلوگرم به رقابت می پردازد. طبق آخرین رنکینگ المپیک در ماه ژوئن، ناهید کیانی با رنکینگ ۲ در جدول مسابقات در دور نخست به مصاف کمیها علیزاده از بلغارستان خواهد رفت تا مجدداً شاهد تکرار مبارزه المپیک توکیو باشیم. کیانی دارنده یک طلا، یک نقره و دو برنز قهرمانی آسیا، برنز بازی های آسیایی و دو مدال نقره گرندپری در صورت پیروزی در این مبارزه در مرحله یک چهارم نهایی به مصاف برنده دیدار فایت دیلون از آمریکا و چایمانومی از تونس می رود؛ دو تکواندوکار که سهمیه المپیک را از طریق مسابقات قاره ای کسب کردند. دیلون آمریکایی در رقابت های گرندپری در سال ۲۰۲۳ موفق به کسب مدال برنز مسابقات در ژم شد و در فینال گرندپری در منچستر به مدال نقره رسید. تکواندوکار تونس هم دو مدال برنز تکواندو نونهالان و نوجوانان جهان و مدال طلای بازی های آفریقایی و قهرمانی آفریقا را در کارنامه دارد.

برخورد قهری با پناهنده های ایرانی نداریم

یکی از چالش های دوره اخیر مسابقات المپیک تقابل ورزشکاران ایران با دیگر ورزشکاران ایرانی است که در تیم پناهنده ها قرار دارند. در نشست خبری روز گذشته

اما خسروی وفا با سوالی از سوی یکی از خبرنگاران حاضر رویه رو شد مبنی بر اینکه خبرنگاران باید چه رویکردی در خصوص ورزشکارانی داشته باشند که در تیم پناهنده ها حضور دارند. خسروی وفا در پاسخ به این سوال گفت: «اینکه ما بخواهیم ورزشکاران ایرانی که در تیم پناهنده ها حضور دارند را با یکوت خبری کنیم صحیح نیست، بلکه اتفاقاً باید طوری رفتار کنیم که به دنیا بگوییم هر چند این افراد پناهنده شدند اما در هر صورت ایرانی هستند. اتفاقاً ما در جلسه ای که داشتیم به ورزشکاران و دست اندکاران ورزش های مختلف که در المپیک حضور دارند نیز تاکید کردیم، نباید برخورد قهری با پناهنده های ایرانی داشت. تیم پناهنده های ایرانی چندمین دوره از بازی های المپیک است که مورد توجه قرار گرفته و قرار است در پاریس هم با حضور ۳۶ ورزشکار در این تورنمنت مهم به میدان برود. نکته جالب در این حال نگران کننده برای ورزش ایران، تقریباً نیمی از اعضای این تیم را ایرانی تشکیل می دهند؛ البته موضوعی که از دید خسروی وفا آن چنان هم جای نگرانی ندارد. خسروی وفا در پاسخ به سوال خبرنگاری در خصوص احتمال پناهنده شدن برخی ورزشکاران بعد از مسابقات المپیک پاریس گفت: «در این زمینه اصلاً جای نگرانی وجود ندارد. در چند سال اخیر پناهنده شدن ورزشکاران به انگلستان یک دست هم نرسیده است. ما با مهاجرت ورزشکاران اصلاً مشکلی نداریم، مهاجرت با پناهنده شدن متفاوت است. برخی از ورزشکاران به کشوری مهاجرت می کنند و بعد از شش، هفت سال دوباره به کشور برمی گردند. افرادی هم می بینند این جای قیاس سرخستی دارند، پناهنده می شوند تا شاید بتوانند در قلمی دیگر مدال کسب کنند.»

در انتظار المپیک سیاسی

بعد از حمله ناوگان دریایی اسرائیل به کشور اشغال شده فلسطین، همچنین جنگ ایجاد شده بین اوکراین و روسیه، نگرانی های بسیاری وجود دارد که شاید این المپیک هم تحت تاثیر اتفاقات سیاسی خاور میانه قرار بگیرد. خسروی وفا در این باره گفت: «مسئولان اجرایی مسابقات المپیک پاریس در جلسه ای که هفته گذشته برگزار کردند، گفتند نگران یک اتفاق سیستماتیک نیستیم ولی نگران برخی رفتار ورزشکاران هستیم که قابل پیش بینی نیستند.» تاریخ می گوید اگر دنیای نارامی را شاهد باشیم، المپیکش هم همراه با حواشی سیاسی و اعتراضی خواهد بود. المپیک میلیون ۱۹۵۶ شاهد خنده های زیادی در دنیا بودیم که به المپیک کشیده شد. چین به دلیل شرکت فروروزا (تایوان) مسابقات را تحریم کرد و مصر، عراق و لبنان نیز در پاسخ به اشغال شه جزیره سینا توسط اسرائیل حضور نیافتند. المپیک مونترال کانادا در سال ۱۹۷۶، یکی از سیاسی ترین المپیک های تاریخ بود. ورزشکاران اوکراینی چندین بار به آتش کشیدن پرچم شوروی در خارج از دهکده المپیک راه پیمایی کردند. مسئله مهم تر، تحریم المپیک توسط ۳۰ کشور آفریقایی بود. IOC با حذف نیوزیلند از مسابقات موافقت کرد، چرا که کشورهای آفریقایی آن ها را متهم به نژادپرستی کردند. در المپیک ۱۹۷۲ مونخ هم که با حضور بیش از هفت هزار ورزشکار از ۱۲۰ کشور این بازی های بزرگترین المپیک تاریخ بود، اما هشت نفر از شبه نظامیان «سپتامر سیاه» جنبشی مرتبط با سازمان آزادی بخش فلسطین - با حمله به خوابگاه تیم اسرائیل و کشتن دو نفر از اعضای تیم و گروگان گرفتن ۹ نفر از آن ها، خواستار آزادی ۲۰۰ زندانی فلسطینی شدند.

برخورد گزینشی در اعزامها

یکی از نکاتی که خبرنگار روزنامه شرق در جلسه روز گذشته مطرح کرد، نسبت به اعزام خبرنگارها به مسابقات المپیک بود. خبرنگار روزنامه شرق در این باره به انتقاد از اعزام ثابت برخی خبرنگارها به مسابقات این جنبی پرداخت. خسروی وفا نیز در پاسخ به این سوال گفت، او نقشی در تعداد و اسامی افرادی که به مسابقات اعزام شده اند، ندارد. خسروی وفا در ادامه نیز افزود: «هدف ما از برگزاری این نشست به هیچ عنوان چنین نبوده که به شما بگوییم چه بنویسید و چه چیزی ننویسید یا چه مطلبی را چاپ بنویسید، چون شما عزیزان قلم حرفه ای دارید و منافع ملی را بهتر از هر کسی بیشتر درک می کنید که نیاز باشد فردی آن را تذکر دهد.»



چهره

تنباهی لیلا ۱۳ ساله شد

«اگر در کوه جان دادم، همان جا بگذاریدم. نمی خواهم دیگران به خاطر من جان شان را به خطر بینانند، آرزو دارم بام جهان آرامگاه ابدی ام باشد.» این را لیلا اسفندیاری گفته بود. کوهنوردی که ۳۱ تیرماه ۱۳۹۰ پس از صعود موفق به قله ۸۰۳۵ متری گاشربروم ۲، از قله فرارقوم پاکستان در رشته کوه هیمالیا، دقیقی پس از صعود حین بازگشت، روی شیب یخی زیر قله دچار حادثه شد. پیکر لیلا پس از ۳۰۰ متر سقوط در ارتفاع نزدیک به ۷۷۰۰ متری جبهه پاکستان، در مکانی خارج از مسیر متوقف شد. او وصیت کرده بود: «اگر افتادم، بگذارید بمانم. می خواهم بام جهان آرامگاه ابدی ام باشد.» بر این اساس بنا به وصیتش، خانواده اش تصمیم گرفتند

پیکر او در محل سقوطش در دل کوه گاشربروم ۲ حفظ شود. لیلا اسفندیاری متولد ۲۷ بهمن ماه ۱۳۴۹ بود و کوهنوردی را از سال ۱۳۸۰-۸۱ به صورت تفریحی آغاز کرد و نخستین صعود او به قله توچال بود.



کتابخانه

نسبت ایدئولوژی و زیبایی شناسی

کتاب «ایدئولوژی به روایت سینما (مطالعه نسبت ایدئولوژی و زیبایی شناسی در سینمای فاشیسم و لیبرالیسم)»، نوشته سیدمرتضی فاطمی در ۳۴۲ صفحه با قیمت ۳۱۰ هزار تومان توسط انتشارات نقد فرهنگ منتشر شد.



در پشت جلد این کتاب چنین می خوانیم: «باید فرض کنیم ظالمان تاریخ می توانستند خود را جای مظلومان تاریخ بگذارند. هر چقدر قوه تخیل قوی تر شود، انسان، انسانی تر و اخلاقی تر می شود و همین ابزار و چاقوی دلبه می تواند بر ضد خود عمل کند و با مهندسی پیام، انسان اخلاقی را با دارم و داستان به سمت عادی سازی شر و بی اخلاقی رهنمون کند. در رژیم های توتالیتر مقاومتی آشکار یا پنهان در برابر هنر اعم از ادبیات و سینما وجود دارد. چرا که هرچه ادبیات و سینما گسترش پیدا کند، همبستگی انسان ها در برابر ظلم، تحقیر و استعمار بیشتر می شود. همبستگی عاطفی و روانی برای هر تفکر تمامیت خواهی مانند سم است. اصلاً در همین ناحیه است که سینما به ابزار قدرت و ایدئولوژی تبدیل می شود. در بستر درام و قصه است که می توان رنج مشترک را قابل درک کرد. آن هایی که قصه می خوانند، به واسطه همین رنج مشترک به هم پیوند می خورند.»

ایدئولوژی به روایت سینما نویسنده: سیدمرتضی فاطمی انتشارات: نقد فرهنگ

تاریخ

بمباران شیمیایی روستای زرده



در ساعات نخستین صبحگاه ۳۱ تیرماه سال ۱۳۶۷ چندین فروند جنگنده عراقی از آسمان روستای زرده، بمب های شیمیایی را به روی مردم فرو ریختند. روستای زرده در منطقه ریجاب و در دامنه ارتفاعات دالاهو، ۴۰ کیلومتری شهر کردغرب و در ۱۴۰ کیلومتری غرب شهر کرمانشاه واقع شده است. علاوه بر زرده، روستاهای نسا دریندر در گیلانغرب و بخشی از شهرستان های ثلاث باباجانی و سرپل ذهاب نیز در ۳۱ تیرماه سال ۶۷ هدف بمب های شیمیایی عراقی ها قرار گرفت. یکی از این بمب ها به نزدیکی زیارتگاه محلی روستای زرده اصابت کرد. عده ای نیز برای در امان ماندن، درون چشمه «غسلان» در کنار زیارتگاه پریدند و از آب چشمه نوشیدند اما چون یکی از بمب ها در این چشمه که تنها منبع تأمین آب آشامیدنی مردم بود فرو آمده بود، این افراد از شدت سوزش و درد ریه به حالت خفگی افتادند و در کنار چشمه به شهادت رسیدند. در این حمله شیمیایی از جمعیت ۱۷۰۰ نفری روستای زرده، ۲۷۵ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۱۴۶ نفر نیز به عوارض ناشی از استنشاق گاز سمی دچار شدند.